



1

نشریه اسلامی

باسمه تعالی

الرابطة الثقافية الإسلامية العالمية

International Islamic Cultural Association

انجمن فرهنگی جهانی اسلامی

استفسار

تاریخ: 1391/5/1 شماره: 1

پاسخگوی پرسش های دانشجویان مسلمان

www.khetabat.com

(س) 1- بعضی ها هم دعوای مسلمان بودن دارند و هم حامی افکار و قوانین امپریالیستی یا سوسیالیستی یا ناسیونالیستی هستند در این باره اسلام چه می فرماید؟

(ج) 1- اگر شخصی معتقد باشد که قوانین وضعی بهتر از قوانین شرعی است در این صورت این شخص (کافر و خارج از ملت) گردیده است، اما اگر کسی بخاطر اغراض نفسانی بغیر حکم الله حکم نماید، ولی عقیده دارد که تحکیم شریعت الهی بر وی فرض است، این شخص (کفر اصغر) را مرتکب شده است، پس واجب است تا فیصله ها و قضایای مسلمانان مطابق احکام شریعت اسلامی باشد و به قوانین وضعی رجوع کردن منافی ایمان است.

یهود در فیصله خصومات برشوت ستانی و طرفداری از ناحق عادی بودند از این جهت دروغگویان و دزدان و خائنان می خواستند معاملات آنها نزد دانشمندان یهود فیصله شود تا طرف مراعات واقع شوند، نه در محضر حضرت پیغمبر که آنجا جز نفاذ حق دیگر منظوری نبود. روایت است که در مدینه میان یهود و منافقی که بظاهر مسلمان بود بر سر امری نزاع پدید آمد، یهود چون حق به جانب بود، خوش بود که موضوع در محضر رسول الله (صلی الله علیه و

آله و سلم) فیصله شود و منافق چون به ناحق دعوی کرده بود می خواست موضوع را

(کعب بن اشرف) که سردار و دانشمند یهود بود فیصله کند، اخیرا هر دو از محضر فرخنده

نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) داوری خواستند، دعوای یهود به اثبات پیوست، منافق چون

از حضور پیامبر علیه الصلاة و السلام برآمد به این فیصله قانع نشد و خواست دعوایشان

را حضرت عمر رضی الله عنه فیصله کند زیرا تصور می کرد که حضرت عمر رضی الله عنه

بنابر دعوای اسلام رعایت مرا بر یهود مقدم خواهد داشت، و در آن وقت حضرت عمر رضی الله

عنه به حکم رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) در مدینه به فیصله اختلافات می پرداخت،

هر دو نزد حضرت عمر رضی الله عنه آمدند، حضرت عمر صورت دعوی را شنید یهود گفت این دعوی را که به حضور پیغمبر تقدیم کردیم چنین فیصله نمود، حضرت عمر به منافق گفت آیا چنین است؟ گفت بلی، عمر رضی الله عنه فرمود این جا باشید و خود رفته و شمشیر گرفته باز آمد و منافق را کشت و گفت هر که فیصله چنان قاضی را نپذیرد فیصله وی چنین باید،

آیت ذیل نازل شد و حضرت عمر از آن روز به لقب (فاروق) نایل گردید (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا)

(ای پیغمبر !) آیا تعجب نمی کنی از کسانی که می گویند که آنان بدانچه بر تو نازل شده و بدانچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند (ولی با وجود تصدیق کتابهای آسمانی ، به هنگام اختلاف) می خواهند داوری را به پیش طاغوت ببرند (و حکم او را به جای حکم خدا بپذیرند ؟ !) . و حال آن که بدیشان فرمان داده شده است که (به خدا ایمان داشته و) به طاغوت ایمان نداشته باشند . و اهریمن می خواهد که ایشان را بسی گمراه (و از راه حق و حقیقت بدر) کند . النساء- 60

و هنگام منازعه چون به منافقان گفته شود که به حکم منزل الهی رجوع کنید و از رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) داوری جوئید ، چون در ظاهر مدعی اسلامند آشکارا انکار ورزیده نمی توانند ، اما از آمدن در محضر پیامبر و عمل به احکام خدا سر باز می زنند و می کوشند بهر شکلی که توانند رسول الله علیه و السلام را بگذارند و چنانچه خود می خواهند نزاع جای دیگر فیصله گردد. قرآن می فرماید:

(وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا)

(و زمانی که بدیشان گفته شود: به سوی چیزی بیائید که خداوند آن را (بر محمد) نازل کرده است، و به سوی پیغمبر روی آورید (تا قرآن را برای شما بخواند و رهنمودتان دارد)، منافقان را خواهی دید که سخت به تو پشت می کنند (و از تو می گریزند و دیگران را نیز از تو باز می دارند) النساء - 61

الله سبحانه و تعالی سوگندهای منافقین را تکذیب نموده می فرماید خداوند جل جلاله راز دل

آنها را می داند و از نفاق و دروغ شان کاملاً آگاه و باخبر است

(فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ يَمَّا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ ثُمَّ جَاؤُوكَ يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّ أَرْدَنًا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا)

(اما چگونه است که چون به سبب (خبت نفوس و سوء) اعمالشان بلائی بدانان رسد (و پناهی جز

تو نداشته باشند) به پیش تو می آیند و به خدا سوگند می خورند که ما (از اقوال و اعمال خود

منظوری و) مقصودی جز خیرخواهی (مردم) و اتحاد (ملت) نداشته ایم . النساء -62

(أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَعِظَهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا)

(آنان کسانی که خداوند می داند در دلهايشان چیست (و پندارشان بر چه روال و گفتارشان در چه

مسیری است) . پس از ایشان کناره گیری کن (و به سخنانشان توجه مکن و به سوی حق

دعوتشان نما) و اندرزشان بده و با گفتار رسائی که به (اعماق) درونشان رسوخ کند با آنان سخن

بگویی (و نتایج اعمالشان را بدیشان گوشزد نما) . النساء -63

حضرت باری تعالی همه انبیاء را که بسوی بشریت فرستاده برای این است که مردم موافق

حکم الهی فرموده های آنها را بپذیرند و خداوند متعال بذات خود قسم خورده است که ای

رسول تا زمانیکه مردم در تمام منازعات مالی و جانی کوچک و بزرگ محض شخص ترا منصف

و حکم ندانند و فیصله و حکم ترا بکمال خوشی و بدون انقباض طبع نپذیرند هرگز مؤمن شمرده نمی شوند .

(وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ

وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا)

(و هیچ پیغمبری را نفرستاده ایم مگر بدین منظور که به فرمان خدا از او اطاعت شود (پس اطاعت از او

، اطاعت از خدا ، و سرکشی از دستور او ، سرکشی از دستور خدا بوده است) . و اگر آنان بدان

هنگام که (با نفاق و دروغگوئی و زیر پا گذاشتن فرمان خدا) به خود ستم می کردند ، به نزد تو

می آمدند و از خدا طلب آمرزش می نمودند و پیغمبر هم برای آنان درخواست بخشش می کرد ،

بیگمان خدا را بس توبه پذیر و مهربان می یافتند . النساء -64

(فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ

وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا)

(اما ، نه ! به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن بشمار نمی آیند تا تو را در اختلافات و درگیریهای خود به داورى نطلبند و سپس ملالی در دل خود از داوری تو نداشته و کاملاً تسلیم (قضاوت تو) باشند .

النساء-65

الله سبحانه و تعالی در این خصوص در آیات قرآنی چنین می فرماید:

(وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ) (و هر که حکم نکند موافق آنچه فرو فرستاده خدا، پس آن گروه ایشانند کافران) المائدة - 44

(وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ) (و هر که حکم نکند موافق آنچه فرو فرستاده خدا، پس آن گروه ایشانند ستمگاران) المائدة - 45

(وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) (و هر که حکم نکند موافق آنچه فرو فرستاده خدا، پس آن گروه ایشانند بدکاران) المائدة - 47

* * * * *

(س) 2- بعضی ها بنام اولیاء الله قربانی و ذبح می نمایند، حکم این عمل در شریعت چیست ؟ و آیا خوردن گوشت آن جائز است؟

(ج) 2- ذبح نمودن بنام و برای غیر الله شرک اکبر است، زیرا ذبح و قربانی کردن عبادت است ،

چنانچه الله جل جلاله به آن امر نموده است : (فصل لربک و انحر) (پس خاص برای

پروردگارت نماز گذار و خاص برای او تعالی قربانی کن) الکوثر- 2

ة) (قُلْ إِن صَّلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ)

(ای پیامبر ! برای مردم بگو : یقیناً نماز من و قربانی من و زندگی و مرگ من همه و همه خاص برای

الله بوده که پرورنده جهان و جهانیان است، هیچ شریک و مانندی خداوند را نیست و به توحید و یکتا

پرستی مامور و مکلف شده ام و از همه اولتر فرمان بردار و تسلیم پروردگار یگانه هستم)
الانعام - 162 - 163

پس هرگاه کسی بنام و برای غیر الله ذبح می نماید ، مشرک و خارج از ملت شمرده می شود.

بنابراین ذبح نمودن بنام های فرشته ، رسول، نبی، ولی، عالم و غیره همه حرام مطلق و

شرک است، و جایگاه شخص مشرک دوزخ می باشد .

(إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ)
(هر آینه کسی که شریک قرار دهد به خدا پس بدرستی که حرام کرده است خدا بر وی

بهشت را و جای او دوزخ است و نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده). المائدة - 72

و خوردن هر چیزیکه بنام غیر خدا ذبح شود حرام است.

(حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ) (حرام گردانیده شده بر شما

حیوان مرده و خون و گوشت خوک و آنچه نام غیر خدا بوقت ذبح او یاد شود.) المائدة - 3

عن امیر المومنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله و

سلم: (لعن الله من ذبح لغير الله) (از امیر المومنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت

است که گفت: رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: الله لعنت نموده است کسی را که برای غیر الله ذبح کند) رواه مسلم.

* * * * *

(س) 3- پارچه شعری را مطالعه کردم که در آن به بزرگان دین و شاهان و قهرمانان وطن قسم

یاد شده است، آیا سرودن یا خواندن چنین اشعار جایز است ؟

(ج) 3- سوگند یاد کردن به چیزی در حقیقت تعظیم آن بوده و یکنوع عبادت است بنابراین قسم خوردن

به غیر الله کفر و شرک می باشد، و اگر کسی به آن چیزیکه سوگند یاد می کند عظمت

الهی ندهد، شرک اصغر را مرتکب شده است.

مومن و مسلمان در صورت لزوم تنها باید به الله سبحانه و تعالی و یا صفتی از صفاتش سوگند یاد کند.

مشرکین دوره جاهلیت بغیر الله مانند: کعبه، پیامبران، فرشته ها و بزرگان ادیان و پادشاهان و

آباء و اجداد و غیره قسم می خوردند، اما شریعت محمدی صلى الله عليه وآله وسلم همه

این گونه قسمها را حرام نموده است، رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم می فرماید (ان

الله ينهاكم ان تحلفوا بآبائكم فمن كان خالفا فلا يحلف الا بالله) (هرآئینه خداوند شما را از

قسم خوردن به پدران تان نهی می فرماید، پس اگر کسی قسم می خورد پس سوگند

یاد نکند مگر به الله). رواه البخاری

در حدیثی دیگر چنین وارد است (من كان خالفا فلا يحلف الا بالله او ليصمت) (کسیکه باشد

سوگند یاد کننده، پس سوگند یاد نکند مگر به الله یا خاموش باشد). رواه مسلم

بنابران به اجماع اهل علم قسم خوردن بغیر الله جایز نیست ، زیرا رسول الله (صلى الله عليه و

آله وسلم می فرماید: (من حلف بغیر الله فقد كفر او اشرك) (کسیکه بجز الله سوگند یاد

می کند هر آئینه کفر یا شرک ورزیده است (رواه الترمذی)

و احادیث و آثار زیاد در این مورد وارد است ، فلهذا سرودن و خواندن اشعار و قصائدی که حاوی

سوگندها و قسمها به غیر الله باشد شرعا جایز نیست.

* * * * *

(س) 4- من شخص مسلمان هستم ، ولی دوستی دارم که مسلمان نیست ، سوالی که همیشه

در ذهنم خطور می کند این است که آیا التزام داشتن و پابندی به دین اسلام تنها بر من (مسلمان)

واجب است، یا شخص غیر مسلمان هم مکلف به ایمان آوردن و عمل کردن است؟

(ج) 4- بر شخص غیر مسلمان واجب است که دین مقدس اسلام را قبول نموده و به آن عمل نماید،

زیرا دین اسلام تنها مربوط به مسلمانان نیست، بلکه همه انسانیت را خطاب می نماید و می فرماید:

﴿ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي

وَيُمِيتُ قَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴾ (بگو ای

مردمان هر آئینه من پیغمبر خدایم بسوی همه شما، آن خدای که او راست پادشاهی آسمانها و

زمین، نیست هیچ معبود غیر او، زنده میکند و می میراند، پس ایمان آرید بخدا و پیامبر او که نبی امی

است آنکه تصدیق می نماید به خدا و سخنان او و پیروی کنید او را تا شما راه یابید. الاعراف - 158

و پیامبر اکرم علیه الصلاة والسلام در حدیثی می فرماید : (عن ابی هریره رضی الله عنه عن رسول

الله صلی الله علیه و آله وسلم أنه قال: و الذي نفس محمد بيده لا يسمع بي احد من هذه الامة

یهودی و لا نصرانی ، ثم يموت ولم يؤمن بالذي ارسلت به الا كان من اصحاب النار) (از ابو هریره رضی

الله عنه روایت است که رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: قسم بذاتی که نفس محمد در

دست اوست ، نمی شنود از من کسی از این امت، یهودی و نه مسیحی، سپس می میرد در حالیکه

ایمان نمی آورد به آنچه که فرستاده شده ام من به آن ، مگر اینکه از اهل دوزخ می باشد). رواه مسلم

و در آخرت شخص کافر هم بخاطر (کفر ورزیدن) مورد عقاب واقع می شود و هم به سبب عدم امتثال

اوامر و عدم اجتناب نواهی مجازات می گردد.

پاسخ از

دکتر: نهضتیار خطیبی

www.khetabat.com